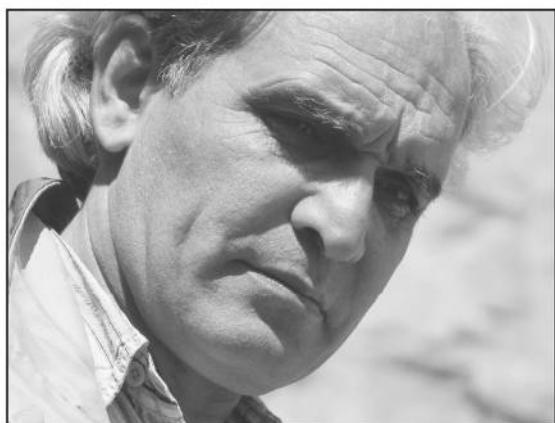


معاون سیاسی، امنیتی
استانداری کرمانشاه:
بررسی وضعیت
روحی
دانش آموزان
زلزله زده
ادامه یابد

شهردار کرمانشاه:
۶۰ میلیارد
برای آسفالت
معابر هزینه
می‌شود

قیمت: ۵۰۰ تومان

شنبه ۲ تیر ماه ۱۳۹۷ * ۹ شوال ۱۴۳۹ * ۲۳ ژوئن ۲۰۱۸ * شماره ششم

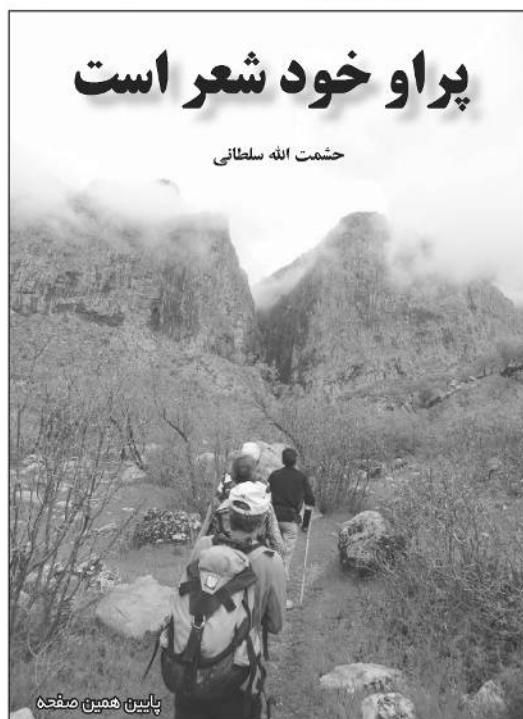


محبته و بی‌متر جم و شاعر کرمانشاهی در گفتگو با «آواز پراو»:

با «غرب‌هایم قریب» دیارم دا از نو در یافته‌ام

جنینی و سی را سال هاست که می شناسم. رابطه دوستی مان به واسطه زندگانی فرامرز بسی (برادر بزرگ جنینی) که خود از نویسنده کار و همچنین عنقدزین پرجسته سینما (بود) کل گرفت. جنینی و سی شاعری توپدار و منقوص است....

A380-321



ایین صفحه همین

پراو خود شعر است

حشمت اللہ سلطانی

فلم سريديز :
عبد الله سليمانى



ادله و مکالمه



پراو خود شعر است

حشمت الله سلطانی

به روز می رزیسته روژایی که
به دامان شب و مصل می نمد و
سال های گذشت تا رایت عشق
برینگر ایشان شعری نمی شست و جایزه
و ساره که نکت و باره بیدستون
تاق سیستان و سرمه سخ و فرشاده
می کشاندا آما اهتمام خواهند
شتر عمر ایهار بازیار را چنان کوهه
کردند و چونان به فراز اورکد ساره
کارشان سکه شد و راه اودیسان طبق
لیفست و سنبل و لگنیں و سهد و
شرپرین
اکتومن سراو و ملجا و سرگ شاعران
چوان و مغفل ادبیان و سرگ شاعران
فرهنگی و ادب و شعر است رسن این
به مقصد رسن اگر هر فرهنگی
و دادا و شعر عاشق نوچان را فرازه
آن در روزه، شعر سایبان کاسه
بسودو رسایر گستره عشق و شور آن
تایی جان بسوزنا

پکنار، همان طور که درختچه های
پیاده کوهی و درختچه های سبزی بر سطح
ارا نگاه می کنی، هیروی فراهم کن،
آتشی سیاز و سیوس خوش جانی
چرقی هایی که از مبارک جهانی ایش
هوای مووند و سرگ راهی های ایش که سه
به نو می گویند همین که، شراره
شروعند و احسان شفروا
این بیرونی است که هر را نازموده
به پایان رسیده ای و سر ایستان سار
سوچادگی و همان شدنی که سه و های
هانیک گفته اند که این از مشق
و حلال و حوارت و بودن و پایان
پر ایهار طولانی را در زانی کوهه
پیموده ای که شهیدی را ایهار
کشانیده و در سر بر عشق
ساخنه بچسبار سیاز و سرگ و ره
توشه و خدمه و خرا که خواسته
تا منزل به منزل واژد به واژه و کوهه
به کوهه ای شعر نوچانه که می شد
و مردانه، ای اندزو شی

سے سادگی شاغر و آن که باه
عئنسه کلام کار با کاغذ شرس کش شعف
پر ایزد، غایطه می خورد، حسرتی
چرا شاعر شعرا نمایند ایلکه شاعری
اگفسمی که نکند و کسی که سه
هوای مووند و سرگ راهی های ایش
من خشن ایشانی می ایهار
می زندن، پایا، پایا که نکیده ای و
رسیده ای در سایه سار خلیخ خود،
اہ، ایشلی که فراز سیستان، از چان
در خد راهی های پاییس نیانگا و هلیا های
لیک که می خوانتند و بی دغدغه
کارشانند، ایسیکوت که همچو
خرش شی می شرس و دن، سراو، نزدیک
بسته همین جا در کثرا تو پرساو،
پرساو شعر است غی غاید لایان هاست
ای سرون اسواری در دزه زهر و سوز
سرمای دی، در ای سخ زده هوطه و مر
و دعکه که بسیار ایشی، مکب
فره، شرگوکی، کوکوی ایکاری

The infographic features a large graphic on the left illustrating energy consumption. It shows a crossed-out incandescent light bulb next to a standard incandescent bulb, followed by an equals sign and two stacked oil drums. A single drop of oil is shown falling from the top drum, with a checkmark indicating this represents the energy used by the LED bulb.

جایگزینی یک لامپ کم مصرف به جای یک لامپ رشته ای به میزان یک بشکه نفت خام در مصرف انرژی صرفه جویی می کند

نقش مطبیه‌عات استانی در توسعه

نویسندگان این مقاله از مفاهیمی مانند اینستین، مکری و دکتر کارل فون فراهموند برای توصیف رامنجهو راهنمایی می‌باشند. این مقاله در سه بخش اصلی به شرح زیر تقسیم شده است:

بخش اول: این بخش مقدمه ای است که در آن این مقاله را با عنوان ایجاد مدلی برای توصیف رامنجهو راهنمایی معرفی می‌کنند. همچنان که در مقدمه این مقاله ذکر شد، این مقاله از نظر محتوا بر اساس مدلی برای توصیف رامنجهو راهنمایی می‌باشد. این مدل بر اساس مفاهیمی مانند اینستین، مکری و دکتر کارل فون فراهموند برای توصیف رامنجهو راهنمایی می‌باشد.

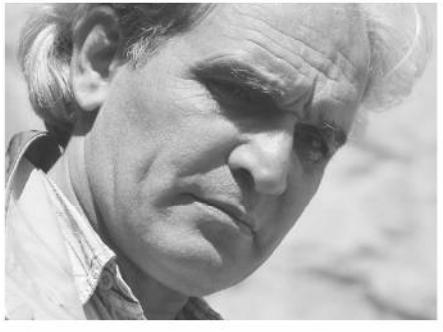
بخش دوم: این بخش مطالعه ای است که در آن این مقاله را با عنوان ایجاد مدلی برای توصیف رامنجهو راهنمایی معرفی می‌کنند. همچنان که در مقدمه این مقاله ذکر شد، این مقاله از نظر محتوا بر اساس مفاهیمی مانند اینستین، مکری و دکتر کارل فون فراهموند برای توصیف رامنجهو راهنمایی می‌باشد.

بخش سوم: این بخش نتایج ایست که در آن این مقاله را با عنوان ایجاد مدلی برای توصیف رامنجهو راهنمایی معرفی می‌کنند. همچنان که در مقدمه این مقاله ذکر شد، این مقاله از نظر محتوا بر اساس مفاهیمی مانند اینستین، مکری و دکتر کارل فون فراهموند برای توصیف رامنجهو راهنمایی می‌باشد.

روابط عمومی توزیع نیروی برق کرمانشاه

محبی ویسی مترجم و شاعر کرمانشاهی در گفتگو با «آواز پراو»:

با «غرب‌هایم قریب» دیارم را از نو دریافته‌ام



محبی ویسی را سال‌هاست که می‌شناسیم. رایطه‌ی دوستی‌مان به واسطه‌ی زندگانی فرامرز ویسی (برادر بزرگ مجتبی) که خود از نویسنده‌ان و هنچین منتقدین برجسته‌ی سینما (بود) شکل گرفت. مجتبی ویسی شاعری نوپرداز و متفاوت است که در این حوزه تاکنون مجموعه‌ی شعرهای «بی‌دار بایزیم تا نقطه»، «من های منفای»، «وات‌ها» و «غرب‌هایم قریب» را به جای رسانده است. این مجموعه‌ی آخر به نویسنده‌ی این شاعر در غرافیای زیستی اش تعلق دارد، با تتمثیم تعلاق‌شناختی در زمینه ترجمه‌ی نیز او تاکنون کارهای درخشانی چاپ کرده است و بدون اخراج ویسی جزء متجمعن بر جسته‌ی معاصر است. از توجههای او می‌توان به این اشعار اشاره کرد: از دو که حرف می‌زنم از چه حرف (هزارکی موراکامی)، ماتوسی دوم (دان دللو)، داستان عاشقانه سرقت (پیتر کری)، در جمع زنان (چرازه بازوی)، ایداع مسول (آدولفو بیوئی کاسارس)، برج کچ (کاترین آن پورتر)، دوره گردها (بل هاربدینگ)، رقص‌های جنگ (شمن کلکسی)، مردی بیان (دیگه گو مارانی)، اختلافات یک رمانویس جوان (اویبرتو اکو)، شاعری با یک پرنده‌ی آسی (چارلز بوکفسکی)، هنر غرق‌شدن (پیلی کالبیت)، مرگ نائزه فرهنگی «به تازگی پیوهنامه‌ای مختلط» و... نشریه‌ی «روزنه فرهنگی» به تازگی پیوهنامه‌ای مختلط مجتبی ویسی منتشر کرده است که علاوه‌ی متندان برای آشنایی در زمینه شعر معاصر و بهوژه وضیعت شعر در استان کرمانشاه انجام داده‌ام که در ادامه می‌خواهد.

عبدالله سیلمانی

و ظفی‌شان نیاشد می‌خواهند آن را
از محظی‌گی‌شان بسکند، رسی آن
جه دلیلی مسند ایل دهنده، چارلز
بوکاوسکی بیان‌بازار یک‌جایی
دستبندی‌ها و باند بازهای راسیج
نیشت. البرادی شایسته و جوده دارند
که صرف‌ای بیل داشتن رنیون در
چالب دارد که شاید شرخ آن در اینجا
بی‌نیابت تباشد (قول به مخصوص):
«من هیشه در صلحه بعد هستم، در
کتاب بعد». شاعر بیان که که‌ای‌های هنچان
به منزه و میهارهای ادبی توجیه داشته
دستبندی‌ها و دامنه را کسته‌دتر گردید کاری
درخور انجام داده‌ام.

برای رفع این بحسران به نظر شما
آیا سفر اصراف را باشد مسیر و
عوض نکد می‌خواهی‌ای نفاوت
مججز نکد می‌خواهی‌ای نفاوت
و نزاکة

شاعر هیشه باید راه خود را بدی
کند، همه عکس‌نیست این اشیاه کند
مهم آن است که بیدرسی و غیری کنی.
شاعر کارش سو شدین ایست رسی پیش
است به خود و خود و خود نگاه کند
نه بخواهد از روی سمت خودست های‌بود و
جنعنی، شاعران که‌ای‌های هنچان
شاعر خوب بود که در گیری مقابله است:
نکاشن و چهاش و پیاش: رسی باید ای
یک سیستم هنچان نکشی و ایول و
نقش سعادت‌خواه را در پرده برهمه
رسی زمین ایام‌ها بیوسته درده‌ای در
ست سنت همسان‌سازی ایسلاندی
بیش می‌زند. هر روز که می‌گذرد
آنگاه می‌زند. همچنان که هم شباب
نکاشن و چهاش و پیاش: رسی باید ای
یک سیستم هنچان نکشی و ایول و

در مورد این بحسران به نظر شما
برای مخاطبان نزیره نویضه دهد؟

ای دهان‌های سنگی
فریادهای زلگون
شما
نیاهی تیکان مایید
دو شنبه‌یار
دوخته به پرکهای از قردو
تا شاهه‌های کود سفید.

نمیم از سر تارق

هر یکی خواهی

نایکد بر ان بار

که از فرط ن

فرنوت شده است

بر انداشت برقی

خطه و رویده است

ادبی را ملک فرار داد

از شما ملت

ای هزار و بانصد سالان:

بداری که بال به سک پخشیدن

شیدیز.

بالک سکوبها می‌اید

می‌شودید?

چای مدها

در بخر که دهرو

فرو اگر روید

مال بیرون خواهد کشید

دون

ستان را.

محبی ویسی از جمجمه‌ی غرب‌هایم قرب

بنیانگاه من دیگر

بیشترین. تا آنجا که من دنبال می‌کنم

می‌شون

"فهم شعر"

ترجمه ماهان سیارمنش

برگرفته از رساله‌ای بر کتاب فهم شعر اثر متیو آرنولد و نوشته‌ی اف ام کولن



این ها که می‌نویسی
با خود در آن سال‌های دور
که دیواری کشیده بودی
قدرت نفوذ کرده‌ای
مثل موهاست که بازی اش گرفته
این حالی که جاخوش کرده

در حشمت
خالی از اشاره نیست
به سختگی‌های من
تئی که معمون بود

به ناول
به آغوش
با پیقاوای در لحظه‌ها
واشاده‌ی جشنی به تو
نمی‌دیدی بلندی خندیدی
تالشیوی...

قدرت دل را گرفت
ومن دل میر آشمش‌ها ولی که
غم بویه نداشت

می خوانم سطمرطراخال تورا
حالاً جقدر شیوه‌ی حال عجیب
سال‌های دور من شده‌ای

پرده را کنایون
تادره‌ها و گم شوی
حال عجیب را عزیزمن -

ازدست مده
هلن حال من تاریان باید

می نشینم تاخیس خاطرات شوم
تا پویایی
در عصی راه
دمست از کنایه یکشی

بادست من برآرب لغزان شانه‌ها
این حال تو عزیز جان است

عبدالله سلیمانی



بدن مزار خاطره نیست
می خواه
مکان غیری کی خونم را

اشفاه شوم
فرصتی برای اول -

اما سخت
شمساد
به لهجه کی
پرتاب کی شوم
من در شباهت شب من نرسه

امیر بهادری

دهدگه‌ی مهانی

هر چیزی به نسبت خود مونم
نهنا

راهی که رفت و بر تکش
ونگی کی که به جایی نرسید
بر درجه‌ی انتظار

به مردی جو گندمی می‌اندیشد
کفش‌های "زن" روستایی "ونگوگ".
ونگی بانگ

جلیل قصری

۱۲- دیگر معانی: (۱) ارسطو شعر را

تفاکل: می‌توانید وکریم‌سیم که دیگر نیست که خودش از فیصل و حشمت در

پوییقای شعر، فصل (۱)، این عجیب‌هایی که

در مقاسه‌ی پا به چشم های دیگر پویایی

توضیح داد نسخه

به نکه‌های که متعاقباً گفته می‌شود

بهوجه کرد.

پا که که می‌شود که این جزوی

برداشت بصیر از طبعت را مستفاده نمی‌نماید.

پنکه باشد موجه‌ی این خلاق سایی

معتقل شویم، دلیل استفاده‌ی دیگر

(۲): ارسطو از این گله‌ی این بود که در نشان

ارسطو و فارسی مطالعی نهاد

امض و فارسی مطالعی نهاد

که در این رالیسم شرک شد و موسوی

زیسته شد و مطالعه داد

که در این می‌گذرد از این

اعضای این انسانی که می‌گذرد

دسته کشیده از این انسانی که در این می‌گذرد

که در این انسانی که در این می‌گذرد



محاج ام به تو زمان هرگز نیامده
زیرا که نعمی دائم خیر به این دیوار سبید از جه نگارم می کند.
و نگارم می کند مد بی وقنه
لبریز آب های بی اراده از جسم /
نیازمند مکان های نادیده ام هم اکنون
زیرا که نعمی دائم باز دیگر اگر بینی ام
می توانم بر جای ام تکیه کنم و بگویم:
تو نیز خوش آمدی ای وزنه ای قدری
با من بگو هنوزم دستان پیاله ای ما را
برای نوشیدن کم خوب است شناسی؟
من که در نالاهای مجلل و وسیع تنهای خود
از نظر ناصری تجاوز نکردم و بر عهد خود پارچا ماندم با دلی رونده بر آب
امن محاج ام به منگ برگزین
زیرا که نعمی دائم اگر ناقص نیست از جه نگارم می کند این جای خالی
میخواهم به صورت یگانه دوست ام سیلی بزنم
و او نیز
آن گاگ با عشق و خشم به سوی بیابان رومی
به گشته سبیدی دهان بازمانده از نیاگان مان.
او از مردم بگوید
من از تو
و هر دو به این فکر کنیم
در خاکسازی صحراء بر صحراء
جز یاد
چه چیز می تواند تاول و عطش را بر ما گوارا کند؟
مهدی عبدالله زاده راد



بگو بیست مگر نیست به جز خدا
که کوک می کنی خواب را برای روز
میادا
جه نگ هرگفته ای به تن
حیس دندهای در رودهای خاک
بنی شاهشت بد دود در سینه مادر
میلنا به کفنا /
بگو بیست به جز خدا در پله کرم ابریشم
کس
که خاک برده است تکه ای از تو از عما
لعت کند خدا و لعنت کنندگان بیز
کنند لعنت را
آش شناسی به زبان این مردم چه
می شو؟
روزنامهها منتشر می کند و بر تراز آه
می کشند
سندروم مرگ ناگاهانه کودکان در
ارتفاع بالای هشت هزار متر
سندروم مرگ حامولش در نزدهای
حکایه
سندروم رویاها
سندروم رویاها
مردم هم بر تراز ویژا می دهند توی
خیابان و با شمعها ها ها
با هزار خرد بیلت هویما
بک بیلت استخرا و بینسازی وی آی
پی ایگان دریافت نمایید
هشتماد و هشت
نود و چهار
نه هزار و شصتمد و بک نوزاد
دز و نزاد
بگو بیست مگر به جز خدا نیست
خواهی که می شود بزر قلی
هیچ سیاهنی ندارد به شباهی که
موشها
به صورت آزمایشگاهی
منفی می شوند
از بیداری بی دری
نه از بی خوابی در بی
و سندروم
نام زنی است که در نسبت خونی اش
با خاک
جشن های بسته را از در می گیرد و باز
می آمد
داشتمان تنها می دانند که
مرگ رویاها منجر به مرگ انسان
می شود
بگو مگر نیست هیچ کس
که نیست هیچ مگر نیست کس
لیلا صادقی



از سوراج کلید آمده بودی
شکل بزنده بی که میان دست های
روح در ازوای اناق قدم می زد
در هراسنایی سینه ام.
شکارچی آن گاه بود
لای کاچ زار و حشی سینه های
نشانه زنده سوی جسم های تو
پدرها
نیمده در گودای ناجز جسم های
بودی
دست هایش بوی تو رامی داد
و ورته گی سینه های را
هرگز در خمیده گی ماشه ی نفگ
قدم می زد:
آن گاه که سرب از لای دست هایش
عمر گرد
وقتی که خون فواره می زد
دوی نرمی آزمده ی موهایت
چشم های هست را زدیدی
پدرها
باران میان تان نشسته بود
جز جز قطراهی های سرد
دوی لوله گی نفگ بود
که گذاخته گی فلز پاسیدر از زوای آنان
اندام چشم های را پکشنا
پرندگان می پاشی
و نگاه کن دری را که کاچ ها
ایا گسکی که شکل بزنده می از آشیان
می آید
فده زدن های باد را
برای سکوت مقنطر کاچ ها
فاض خواهد گرد؟
صد اُنما
که خر خرد بیفت
کوهنی می س
که افتاب
گرم بر آن تا بیده.
بحرج کندی را
که ورم کرده روی جرجوب فلزی
و انشتشنی چرخوندی لای یوسنت را
دندان بگر
دور بین اتفاق را در چشم هات
و راز دردناکی سرب را
در غروب مشک کاچ ها
دفن کن.
روح اله باقری



قصیده کودکان عفرین

ترا دروغ گفته اند
از جو های کبریت پرس
چه سیگارهای این جا خاکستر شده
چطور طن کودکان را زده هم دریده اند
آخر کودکان غیر باز وطنی ندارند
ترا دروغ به مرد ناجزه کرده اند
هیده کودکان در خون و استخوان
بر دیوار غرقین پاشیده اند
اخر کودکان غیر لختند
هیده ای نداند
سلام های گناهکار
سلام های بی نهاد
درگرد ای از دود تاریک کرده اند
آخر سرگ کودکان
غیر گرمه
سلامی دارند
توادر غم کفته اند
با کشان در دست و دانه ای که به
پرندگان می پاشی
در بارگز ای امروز
ساعت مجی خود را باز کن
موسی بندری



کدام رنگ سرخ بپرهائش
چشم رامی زد و
گشته که به پانکرد
فرازیان داشت
وقتی با خبر ندم
که سلیمانی ام را
مورانه زد
و مددگارش کویر را
به تو سیح دل رساند
فاطله
چه می داشت
همیشه دریا سرهاش سبز
خواهدشد
و من از گل ها
کسی رامی شناسم
که شناسنامه ام به اسمن باطل شد
راستی
یکی به من بگوید
زیبی در بهار سرخ است
ابوب کیانی



آب مرارهید جسم در را
در پیراهن
آبی کوته تابستانی
شنهای ساحل
از تفت داغ مشیشوند
اقباب ای غروب
سرق ارغوانی
در لیانت محومیشوم
افق تمام دیدگان

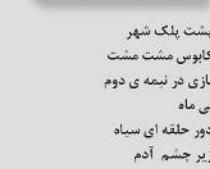


نهایی
کاهی بک نفر است
در خانه ی سالماندان
بیشتر اتفاق می افتاد
نهایی
کاهی دو نفر است
کشته می شود
با مشتی گره گرده
و چند عدد فرص
نهایی
حرکتی دسته جمعی است
رد شدن زنی زما
از کثار چند گارگ ساخته ام
جه کسی نفشد داشته است
در ایستادن درختن لبه ی پر تگاه
که سایه این
هر صبح به دره می افتاد

به چه چیزی
میتواند فکر کرده باشد
کسی که میل های دو نفره می سازد
و نهایی درختن را جایجا می کند
نهایی کن
به لبخند خانچی این قاب عکس
ما بکوته رهای خلق چه کردیم؟
با آن شال میگان ای بعد
در رمسانه ای بعد
گردن چند آدم بر قی دیگر اند اختنیم؟
زیبایی ای
طور دیگر از خانه بیرون می رفت
طور دیگری برمی گشت
و من
نهایی دسته جمعی مردی هست
در الیوم های عکس
که می خواهد تا آخرین لبخند
در شومنه بسوزد
او فر برگوان
احسان بو اهمی



پیشنهادهای
بزنده را آغاز بکش
زمانی که هنوز هوس داشتن منقار
بر انداختن جمع شده
و بی سواد است از خاطره سازی
از پروراد در آسمان
و بایان این باهای حشرات کوچکتر
است
برزنده را از جایی بکش که منگ است
در بودن در بودن
وقتی خصیر خیر است
تعداد بسیار زیادی نقطه هی سست است
و مجموعه ای بظیری سست از نوهم
بکش
برنده را بکش
وقتی که طوطی های مخفی است
بروین نکهداری



پشت پلک شهر
کابوس هشت هشت
بازی در نیمه دوم
بی ماه
دور حلقه ای سیاه
زیر چشم آدم
ادامه دارد
از پویه های تجیده
تعوید اویخته اند
تقدیر و چشم زخم
یکدیگر را
هم بوسانی می کنند.

به هدر رفته
کاسه ای خون دوچشم
روی نیمکت استفتیار
گوشه ی خیابان
کوه زیاله و بک بر سیم رغ

چد شباخت غربیست
میان رسنم
و قصه ی سردی
که روی زخم های ناسورش
شبانه
نفت می رزد
تا آخرین نخ کبریت را
به آتش بکشند.

در شلاق های هابشان
مرا با نفس های بزند
با دستندن شان هم خلواده می کنند
در یک سیلی افسری
می سوزانند تمام بیان "میسی" را
که در جمجمه ای جا دادم
ناف می زند
تا آخرین نخ کبریت را
به آتش بکشند.
ابراهیم عالی پور



در رام شدن ات
اسپ نرکن من
در اصلات وجودی ات
جه هر دانی که دست به تفک
برای فریاد شدم جنگیدند
می داشتم
خیانت کار در بین ماست . لعنی
با خاطر خدا

در شلاق های که فرود می آید
در پاس و نرس هابم
بنادن بزند
که در هر زمان های روز
بک چفت چشم لو می رو
لطفا کسی دست به تقویت هایم نبرد

دارند در شلاق های هابشان
مرا با نفس های بزند
با دستندن شان هم خلواده می کنند
در یک سیلی افسری
می سوزانند تمام بیان "میسی" را
که در جمجمه ای جا دادم
ناف می زند
تا آخرین نخ کبریت را
به آتش بکشند.
ابراهیم عالی پور

کنی که از خود حساب کشد، سود می برد، و آن که از خود غفلت کند زیان می بیند و کنی که از خدا بررسد اینم باشد، و کنی که عیوب آموزد آگاهی را پیدا، و آن که آگاهی پایه دارد، و کنی که نفهمد و آن که نفهمد آتش آموخته است

پیغ الملاعنه حکمت ۲۰۸

مدیر مسئول و منابع انتشار: علی گرمی
• شملکان: ۱۴۰۰۰ نسخه
• سردبیر: جذبات سلامانی
کستره توزیع: استان های کرمانشاه،
آذربایجان غربی (شهرستان ساری)
طبقه‌فولانی کالکتیوایز
• آدرس: میدان خیبر (شهرستان ساری)،
آذربایجان غربی، همدان
تلفن تماس: ۰۳۷۲۷۶۴۰۸۳

پوششیدم رچشمانت شرایبی
عادیان می دهد تکرار خوابی
نفی دائم چه هستی نازنیم
پکو آخر شرابی با سرابی
علی گرمی

شنبه ۲ تیر ماه ۱۳۹۷ * ۹ شوال ۱۴۰۹ * ۱۸ زوتو ۲۰۱۸ * شماره ششم

شهردار کرمانشاه:

۶ میلیارد برای آسفالت معابر هزینه می شود

استعفا نداده ام

سال ۸۰ که در شهرداری کرمانشاه ایجاد شد، همین سال همین مقداری از بودجه و آن زمان در انتظاری به استفاده از این بودجه بود. وی افزود: اخلاق نظرهایی که از طرح است مرغوب به ساده بوده که کرمانشاه نیز تاکید کرد: ۳۶ بر تأسیس که این شرکت که عیوب آموزد آتش آموخته است، هم اکنون هم با پارکینگ های ۴۰ روز اخیر مقداری اجرای آنها به تأثیر امور شوری استانداری تعامل خوبی دارد.

شهردار کرمانشاه:
سال گذشته به دلیل برخی مسائل امکان استفاده از منابع دولتی در پروژه های عمرانی را نداشتیم و از ابتدای امسال با استفاده از منابع دولتی کارهای عمرانی شهر را با جدیت دنبال می کنیم.
رضاپی از دو تقطاع غیرهمسطح میدان امام امام (ره) و میدان امام حسین(ع) به عنوان دو پروژه عمرانی سطح شهر کرمانشاه یاد کرد
که ترکیب اعتباری این ۳۰ دو صورت درصد نقدی است که در وسط دولت تضمین شده و ۷۰ درصد نیز از محل

وی افزود: اکنون مردم مقداری از وضعیت مدیریت زیله ها تاریخی هستند و اگر نظام فلی ادامه پیدا کنند وی همیشه ناراضیت ها پیشتر خواهد شد. وی افزود: اخلاق نظرهایی که از طرح است مرغوب به ساده بوده که کرمانشاه نیز تاکید کرد: ۳۶ بر تأسیس که این شرکت که عیوب آموزد آتش آموخته است، هم اکنون هم با پارکینگ های ۴۰ روز اخیر مقداری اجرای آنها به تأثیر امور شوری استانداری تعامل خوبی دارد.

برنامه ریزی نیز امسال با جذب نفنسی GIS شهر کرمانشاه را دنبال خواهیم کرد.

وی ابراز امیدواری کرد، کرمانشاه را می سال ۴۷ ماجد نفنسی دیجیتال نشود که بایس و ایمان پرای توسعه شهر اکنونیست.

رضاپی در رسانه سهیر کرمانشاه نیز

عنوان کرد: این کنسرس در مطلعه

نهایی است و به بخشی رسیده

در حال حضی اوری نظر کارشناسان

و صاحب نظرات رای مشاکر کی در

تدوین این پروژه هستیم.

به گفته رضاپی، این است دست

۷۹ نیز سند اصلی حوزه برنامه ریزی

شهر کرمانشاه ندوین شود و بتوان

بدچه شهرباری کرمانشاه را پرسان

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد: شخصی که میگذرد از سطح چهار منطقه آغاز شده و در سایر مناطق نیز به زودی شروع شود.

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

آنکه این سند در مطلعه

گذشت

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

وی اشاره ای داشت و تاکید کرد:

که این اتفاق

که این اتفاق